

سهیل دیدیا اولین بار که چشم مأموران به همکارشان در پیاده‌رو افتاد، هنگام گشت زنی بودند. رفتار این فرد کمی عجیب بود. ریزآلانه کلاتری آن قدر سرشان شلوغ است که در محله‌ها شده نمی‌گنجد که یکی از همکارانشان آن قدر اوقات فراغت داشته باشد که بای پیاده‌رو شهر گشت زنی کند. افسران گشت کلاتری کوکوی پلیس به ماجرا مشکوک شدند و کمی جلوتر خودروی پلیس متوقف شد و یکی از افسران از خودرو پیاده شد تا چند محله‌ای به همکارش در پیاده‌رو صحبت کند. به محض ورود افسر کلاتری به پیاده‌رو، انگار همکار بودنیومر پیوشش در یک محله پیاده شد. مأمور که کنج‌کاوش‌اش خود ندانان بود، برای بررسی موضوع راهش را در پیاده‌رو ادامه داد و داخل مغازه‌ها رازین نگاه می‌کرد تا اینکه از پشت شیشه یک سوپرمارکت دید که همکارش وارد این مغازه شده و پشت پیوشش‌ان طوری نشتسته که از داخل مغازه دیده شود. قایم‌بانک‌بازی این فرد با ورود پلیس به سوپرمارکت تمام شد. دیگر مأموران نیز از خودرو پیاده شده و وارد سوپرمارکت شدند. با درخواست آن‌ها از مرز بودنیومر پیوش از مغازه بیرون آمد. افسران کلاتری از بار مردی بدنتی از این فرد که احتمال داشت مغازه‌بان باشد، یک اسلحه کتی با اسباب‌باری کشف کردند و مطمئن شدند که با یک مأمور نا رو به‌رویند. با انتقال متهم به کلاتری مشخص شد که او فردی سابقه‌دار است. متهم در چند مرحله بازجویی به اینجی فقره اخاذی با معرفی خود به عنوان مأمور دستگاه‌های امنیتی اعتراف کرد. متهم پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شد.

شهریاران مرد جوان کاپوت پراید را بالا زده بود، انگار که ماشینش خراب شده و در حال ورفتن باست های تازی بود که پلیس به محض رسیدن پلیس به نزدیکی خودروی کاپوت پراید، ناگهان مرد جوان به موتور سواری دوید و محله جرمین را ترک کرد و پراید و بهاره را یک موتور سواری از ضلع غربی برداشتند. متوجه شدند که این افراد در حال سرت دو بداند و به سرافشان رفتند و پس از کمی راه را از سر گذرانند، مأموران کلاتری سیدی پس از دستگیری دو متهم از یک تاکسی مسروقه خودروی کاپوت پراید را انتقال به مقر انتظامی در بارزجویی های فنی مأموران دایره تخصص کلاتری سیدی به هجده قمره سرت قطعات خودرو در محدوده شهرک سیدی مشاهده اتراف کردند. در ادامه موتور سیکل توقیف و بهمهان وانه اداسرا شدند. برای سر مراحل قانونی وانه اداسرا شدند.

دیدیا تاریکی همیشه هولناک است. اما وقتی هولناک تر می شود که دائم با افراد باشد. اینجااست که ماجرای پیوند قریبه از بیماران مرگ مغزی اهمیتش دوچندان می شود، موضوعی که در روزهای گذشته منجر به پیوند قریبه به دو بیماران نیانمزد شد. در تازه ترین جراحی پیوند عضو با تأیید مرگ مغزی «سید حسن هاشمی یاسیان» و «ضیاء خانواد» این بیمار از بیمارستان شهید هاشمی نژاد به واحد فراهم آوری اعضای پیوندی در مرکز پیوند اعضای دانشگاه شهید منتقل شد. با آغاز جراحی اهدای عضو، قریبه های زنده یاد هاشمی یاسیان برای پیوند به بانک چشم دانشگاه علوم پزشکی مشهد و پوست از پوست او نیز برای پیوند به بیمارستان شهید سوختگی بیمارستان امام رضا^ع مشهد ارسال شد.

خارج شد. او همان طور داشت باگوشی حرف می زد که وارد یک ساختمان شد. من تا دیدم او خودرویش را قفل نکرده، به سمت پراید رفته و ما مشاهده سوئیچ در خودرو، فرصت را غنیمت شمردم. من بلافاصله نگاهی به اطراف انداختم و چند ثانیه بعد با پراید آنجا دور شد. اگرچه به دانشی آوردم و سی دقیقه بعد در کنار خودروی پلوس قرار گرفتم. من تصور می کردم مالک خودرو تالا آن

احتمالا از ماه‌ها قبل برنامه‌ریزی کرده بودند. آن‌ها نقشه خود را به تائوب به اجرا درآورده بودند و به خیال خام خود هسته‌اند مرزداران این مرزوبوم را روزبند؛ اما آخرین قطعه سیاه این قاقاجیان یعنی انتقال موادمخدرشان به عمق ورن‌ناکام ماند و مرزبانان آن‌ها را شناسایی و تعقیب کردند. بایان هنگ تایباد با اطلاع از ورود یک محموله موادمخدر و حه به کشور، به کمین قاقاجیان نشسته و آن‌ها را هنگام غافل‌گیری کردند. عملیات قلع مرزبانان، سوداگران مرگ را به گریختن کرد. با متواری شدن این افراد به آن‌سوی مرزها، بایان در پاک‌سازی منطقه موفق شدند ۵ کوله حاوی ۴۰۰ بسته دمخدر بیشه به وزن حدود ۴ کیلو، ۸ بسته ورن‌ن به وزن حدود ۲ کیلو را به همراه ۴ قبض کله و کمری و خساب را که به طرز ماهرانه‌ای مخفی شده بود، کشف کنند.

[illegible]